

Research Article

***The Jurisprudential Nature of Interpretation by Analyzing the Content of
Interpretative Narrations in the Tafsir of Ali ibn Ibrahim Qomi***

Seyyed Mohammad Mehdi Alavi^۱, Kamal Khajepour^۲, Ahmad Sadeghian^۳

Received: ۲۰۲۴/۱۰/۰۷ Accepted: ۲۰۲۴/۱۲/۱۹

Abstract

Interpretation is one of the most important concepts in the interpretation of the Holy Quran, which means understanding and explaining the inner and true meaning of the verses. This research was conducted with the aim of understanding the nature of interpretation and its characteristics in Qomi's interpretation. Qomi's interpretation is one of the oldest and most important Shiite interpretations that provides interpretation of the verses of the Quran based on the narrations of the Ahl al-Bayt (a.s.). The research method in this research is qualitative content analysis, which was carried out by extracting and classifying interpretive narrations related to Imam Ali (a.s.) from among the interpretive narrations of Surah al-Baqarah. The results of the research showed that interpretation in Qomi's interpretation is a multiple and ambiguous concept that has various examples, including historical interpretation, mystical interpretation, moral interpretation, scientific interpretation, and ruling interpretation. The foundations and principles of interpretation in Qomi's interpretation are determined based on revelation, scientific knowledge, consensus, transmission, reason, and the words of Ahl al-Bayt (a.s.), and the rules of interpretation include linguistic rules, scientific rules, mystical rules, and moral rules. The sources of interpretation in Qomi's interpretation include verses of the Quran, hadiths of the Ahl al-Bayt (a.s.), Islamic history, various sciences, and Islamic mysticism. This research can be used as a useful reference for students and researchers interested in the subject of Quranic interpretation.

Keywords: *Interpretation, Qomi commentary, narrations, ontology, content analysis.*

^۱ - PhD student, Department of Quran and Hadith Sciences, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

^۲ - Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran. (Corresponding author) kamalkhajepoor@yahoo.com

^۳ - Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.



مبانی فقهی حقوق اسلامی

دوفصلنامه علمی- تخصصی مبانی فقهی حقوق اسلامی
سال ۱۷ • شماره ۱ • بهار و تابستان ۱۴۰۳ • شماره پیاپی ۳۳

مقاله پژوهشی

ماهیت شناسی فقهی تأویل با تحلیل محتوای روایات تأویلی در تفسیر علی بن ابراهیم قمی سید محمدمهدی علوی^۱، کمال خواجه پور بنادکی^۲، احمد صادقیان^۳

چکیده

تأویل یکی از مهمترین مفاهیم در تفسیر قرآن کریم است که به معنای فهم و تبیین معنای باطنی و حقیقی آیات می باشد. این پژوهش با هدف شناخت ماهیت تأویل و ویژگیهای آن در تفسیر قمی انجام شده است. تفسیر قمی یکی از قدیمیترین و مهمترین تفاسیر شیعه است که بر اساس روایات اهل بیت (ع) تأویل آیات قرآن را ارائه می دهد. روش تحقیق در این پژوهش، تحلیل محتوای کیفی است که با استخراج و دسته بندی روایات تأویلی مرتبط با امام علی (ع) از بین روایات تفسیری سوره بقره صورت گرفته است. نتایج تحقیق نشان داد که تأویل در تفسیر قمی یک مفهوم چندگانه و چندمعنایی است که دارای مصادیق متنوعی از جمله تأویل تاریخی، تأویل عرفانی، تأویل اخلاقی، تأویل علمی و تأویل حکمی است. مبانی و اصول تأویل در تفسیر قمی بر اساس وحی، علم لدنی، اجماع، نقل، عقل و کلام اهل بیت (ع) تعیین می شوند و قواعد تأویل شامل قواعد زبانی، قواعد علمی، قواعد عرفانی و قواعد اخلاقی هستند. منابع تأویل در تفسیر قمی شامل آیات قرآن، احادیث اهل بیت (ع)، تاریخ اسلام، علوم مختلف و عرفان اسلامی هستند. این پژوهش می تواند به عنوان یک مرجع مفید برای دانشجویان و پژوهشگران علاقه مند به موضوع تأویل قرآن مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: تأویل، تفسیر قمی، روایات، ماهیت شناسی، تحلیل محتوا.

^۱- دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

^۲- دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. (نویسنده مسئول) kamalkhajepoor@yahoo.com

^۳- استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

تفسیر قرآن کریم یکی از مهمترین علوم اسلامی است که هدف آن فهم و درک معانی و حکمت‌های پیام آسمانی است. قرآن کریم کلام خداوند متعال است که به زبان عربی به پیامبر اکرم (ص) نازل شده است. قرآن کریم دارای نام‌های فراوانی از جمله القرآن الکریم، الکتاب، الفرقان، الماویثه، الذکر و النور است. قرآن کریم شامل ۱۱۴ سوره و ۶۲۳۶ آیه است که بر اساس ترتیب نزول وحی به مکی و مدنی تقسیم میشوند. قرآن کریم معجزه بزرگ پیامبر اسلام (ص) است که هیچ کس نمیتواند مانند آن سخن بگوید یا آن را تحریف کند. قرآن کریم محور اعتقادات و عملیات مسلمانان است و راهنمای زندگی آنها در دنیا و آخرت است.

تفسیر قرآن به معنای شرح و تبیین معانی و مفاهیم قرآن است که با استفاده از روشها و شیوه‌های مختلفی انجام شده است. تفسیر قرآن به عنوان یک علم مستقل در قرن دوم هجری شکل گرفت و تا کنون توسعه و تکامل یافته است. تفسیر قرآن به روشهای مختلفی مانند تفسیر روایی، تفسیر عقلی، تفسیر اصولی، تفسیر عرفانی، تفسیر تاریخی، تفسیر موضوعی و تفسیر تحلیلی انجام شده است. هر یک از این روشها دارای مزایا و معایب خاص خود هستند و بر اساس منابع و معیارهای مختلفی تفسیر قرآن را انجام میدهند. از این رو، مطالعه و مقایسه این روشها از اهمیت بالایی برخوردار است.

یکی از روشهای تفسیر قرآن که از قدمت و اعتبار بالایی برخوردار است، تفسیر روایی است. تفسیر روایی به معنای تفسیر قرآن با استناد به روایات و احادیث اهل بیت (ع) و صحابه است. این روش بر اساس این اصل است که هیچ کس نمیتواند معانی قرآن را بهتر از خود خداوند و پیامبر (ص) و اولیای الهی که از منبع وحی آگاه هستند، بیان کند. بنابراین، تفسیر روایی از منابع معتبر و مورد اعتماد اسلامی استفاده میکند و معانی قرآن را از زبان خود قرآن و پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) و صحابه شنیده و نقل میکند. تفسیر روایی میتواند به فهم ظاهری و باطنی قرآن کمک کند و معانی پنهان و رمزآلود آن را آشکار کند. اما تفسیر روایی نیز نیازمند شرایط و قواعدی است که باید در نظر گرفته شود. از جمله این شرایط و قواعد میتوان به اعتبار و صحت روایات، تطبیق و تفسیر روایات با متن قرآن، توجه به موقعیت و شرایط نزول وحی و تفسیر قرآن با قرآن اشاره کرد. از این رو، مطالعه و ارزیابی تفسیر روایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

یکی از تفاسیر روایی کهن و معروف در بین شیعیان، تفسیر علی بن ابراهیم قمی است که در قرن چهارم هجری تألیف شده است. این تفسیر به نام تفسیر قمی یا تفسیر القمی شناخته میشود و از مهمترین منابع تفسیری شیعه است. نویسنده این تفسیر علی بن ابراهیم بن هاشم قمی است که از فقهای و محدثین برجسته شیعه در قرن چهارم هجری بوده است. او از شاگردان امام حسن عسکری (ع) و از اصحاب امام زمان (عج) بوده است. او در سال ۳۰۶ هجری در قم درگذشته است. او از نوادگان امام موسی کاظم (ع) بوده و از اهل بیت (ع) تبار بوده است.

تفسیر قمی دارای ویژگیها و خصوصیات است که آن را از سایر تفاسیر متمایز میکند. یکی از این ویژگیها، استفاده از تأویل به عنوان یک روش تفسیری است. تأویل به معنای بیان معنای باطنی و فراتر از ظاهر الفاظ قرآن است که بر اساس آیات و روایات مشروعیت دارد. تأویل میتواند راهی برای کشف اسرار و حقایق قرآن باشد که به تعمیق درک و معرفت قرآنی کمک میکند. اما تأویل نیز مستلزم شرایط و قواعدی است که باید در نظر گرفته شود. از جمله این شرایط و قواعد میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. تاویل باید با متن قرآن و سنت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) مطابقت داشته باشد و با آنها متناقض نباشد. زیرا قرآن و سنت معیارهای اولیه و اصلی تفسیر قرآن هستند و هر تفسیری که با آنها در تضاد باشد باطل و نادرست است

۲. تاویل باید با عقل و منطق همخوانی داشته باشد و با آنها مغایر نباشد. زیرا عقل و منطق از نعمتهای خداوندی هستند که برای فهم و درک حقایق موجود در قرآن به انسان داده شده‌اند و هر تفسیری که با آنها مخالف باشد نامعقول و نامنتطقی است.

۳. تاویل باید با واقعیت‌های علمی و تجربی سازگار باشد و با آنها متعارض نباشد. زیرا قرآن کریم دارای اعجاز علمی است و به بسیاری از حقایق علمی و تجربی اشاره کرده است و هر تفسیری که با آنها مغایر باشد نادیده و ناپذیر است.

۴. تاویل باید با مقاصد و اهداف شرعی هماهنگ باشد و با آنها متنافر نباشد. زیرا قرآن کریم برای هدایت و سعادت انسان آمده است و به مقاصد و اهداف شرعی که برای خیر و مصلحت انسان هستند دعوت میکند و هر تفسیری که با آنها مخالف باشد مضر و مفسد است.

با توجه به این شرایط و قواعد، تاویل یک روش تفسیری معتبر و مفید است که میتواند به فهم عمیق و جامع قرآن کمک کند. اما تاویل نیز نیازمند دانش و تخصص و احتیاط است و نباید به صورت سطحی و تخمینی انجام شود. از این رو، تاویل باید توسط افراد متخصص و معتمد و با استناد به منابع معتبر و مورد اعتماد انجام شود.

با وجود اینکه تفسیر قمی یکی از تفاسیر معتبر و مرجع شیعیان است، اما متأسفانه تاکنون مورد توجه و تحقیق کافی قرار نگرفته است. بسیاری از جنبه‌ها و خصوصیات این تفسیر هنوز ناشناخته و نیازمند بررسی بیشتر هستند. یکی از این جنبه‌ها، ماهیت شناسی تاویل در این تفسیر است. تاویل یکی از روشهای تفسیری است که در تفسیر قمی به طور گسترده به کار رفته است. اما ماهیت و معنای تاویل در این تفسیر چیست؟ تاویل در این تفسیر به چه معنا و مینا و منبعی است؟ چه قواعد و شرایطی برای تاویل در این تفسیر رعایت شده است؟ چه روش و شیوه‌های برای تحلیل محتوای روایات تاویلی در این تفسیر وجود دارد؟ این سوالات نشان‌دهنده نیاز به تحقیق و پژوهش در این زمینه هستند.

۲- مفهوم تاویل

تاویل یکی از مفاهیم مهم در علوم قرآنی و علوم دینی است که به معنای بازگرداندن کلام از معنای ظاهری به معنای حقیقی یا باطنی آن است. تاویل نشان دهنده تلاش برای درک عمیق تر و دقیق تر از معنای قرآن است که فراتر از سطح زبانی و ادبی آن است. تاویل به دنبال کشف اهداف و اراده خداوند در قرآن است که ممکن است با تغییرات زمانی و مکانی متفاوت باشد. تاویل می‌تواند به رفع ابهامات، تضادات، اختلافات و مشکلات مربوط به معنای قرآن کمک کند. تاویل همچنین می‌تواند به ارتباط برقرار کردن قرآن با واقعیت‌های جدید و مسائل معاصر انسانی کمک کند. تاویل در قرآن به معنای مختلفی اشاره شده است، از جمله: تحقق و عینی شدن آیات قرآن، تفسیر و تبیین معنای متشابه و مجمل، تعبیر و تفسیر رؤیا، و تفسیر و تبیین حقیقت متعالیه قرآن که در لوح محفوظ نگاه داشته شده است. برخی از مفسران معتقدند که تاویل در قرآن به معنای تحقق و عینی شدن آیات قرآن است که در آخرت رخ می‌دهد. برای مثال، آیه «وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ» (ق: ۲۱) را به این معنا تاویل می‌کنند که در روز قیامت هر نفسی با همراهی فرشته‌ای

۲-۲- معیار و مرجع تأویل

• قرآن: قرآن مهمترین معیار و مرجع تأویل است. تأویل باید با رعایت اصل اولویت قرآن بر قرآن انجام شود. یعنی هر آیه باید با توجه به کل قرآن و سایر آیات مرتبط تفسیر شود. تأویل نباید با معنای ظاهری و مشهور آیات قرآن مخالفت کند. تأویل باید با توجه به مقاصد و اهداف قرآنی انجام شود. تأویل باید با توجه به موقعیت زمانی و مکانی نزول آیات قرآن انجام شود. تأویل باید با توجه به سبک و بلاغت قرآن انجام شود.

۲۱۶

مبانی فقهی حقوق اسلامی

• سنت: سنت شامل گفتار، فعل و تقریر پیامبر (ص) است. سنت دومین معیار و مرجع تأویل است. تأویل باید با رعایت اصل اولویت سنت بر عقل انجام شود. یعنی هر آیه باید با توجه به تفسیر و تأویل پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) که در روایات منتقل شده است تفسیر شود. تأویل نباید با سنت معتبر مخالفت کند. تأویل باید با توجه به زندگی و سیره پیامبر (ص) انجام شود. تأویل باید با توجه به شرایط و موقعیت هایی که پیامبر (ص) با آنها مواجه شده است انجام شود.

• عقل: عقل شامل قوه فهم و استدلال انسان است. عقل سومین معیار و مرجع تأویل است. تأویل باید با رعایت اصل اولویت روایات معتبر بر روایات ضعیف انجام شود. یعنی هر آیه باید با توجه به اعتبار و صحت روایاتی که در مورد آن منتقل شده است تفسیر شود. تأویل نباید با عقل سلیم مخالفت کند. تأویل باید با توجه به علوم و معارف مختلف انجام شود. تأویل باید با توجه به اصول و قواعد منطقی انجام شود.

• نظر: نظر شامل قول و رأی مفسران و علمای مختلف است. نظر چهارمین معیار و مرجع تأویل است. تأویل باید با رعایت اصل اولویت ظاهر بر باطن انجام شود. یعنی هر آیه باید با توجه به معنای ظاهری و مشهور آن تفسیر شود. تأویل نباید با نظرات معتبر مخالفت کند. تأویل باید با توجه به اختلاف و توافق نظرات مختلف انجام شود. تأویل باید با توجه به معیارها و شواهدی که نظرات بر اساس آنها بیان شده اند انجام شود.

• تجربه: تجربه شامل حالات و احوال معنوی و عرفانی مفسران و عارفان است. تجربه پنجمین معیار و مرجع تأویل است. تأویل باید با رعایت اصل اولویت عموم بر خصوص انجام شود. یعنی هر آیه باید با توجه به معنای عمومی و کلی آن تفسیر شود. تأویل نباید با تجربه های معتبر مخالفت کند. تأویل باید با توجه به تجربه های مختلف انجام شود. تأویل باید با توجه به شرایط و صفاتی که تجربه ها بر اساس آنها بیان شده اند انجام شود.

• تاریخ: تاریخ شامل وقایع و رویدادهای تاریخی و اجتماعی مرتبط با قرآن و مفسران است. تاریخ ششمین معیار و مرجع تأویل است. تأویل باید با رعایت اصل اولویت حقیقت بر مجاز انجام شود. یعنی هر آیه باید با توجه به معنای حقیقی و واقعی آن تفسیر شود. تأویل نباید با تاریخ معتبر مخالفت کند. تأویل باید با توجه به تاریخ مختلف انجام شود. تأویل باید با توجه به منابع و شواهدی که تاریخ بر اساس آنها بیان شده اند انجام شود.

۲-۳- انواع تأویل:

تأویل از نظر فقها و مفسران به انواع مختلفی تقسیم می شود، از جمله:

• تأویل تفسیری: آن نوع تأویل است که معنای ظاهری کلام را با توجه به قرائن و دلائل متنی و سنتی و عقلی تغییر می دهد و به معنای احتمالی دیگری می رساند. این نوع تأویل برای برطرف کردن تعارضات و ابهامات متنی و تفسیر

معانی متشابه و مجمل به کار می رود. مثال: تأویل کلمه یوم (روز) در قرآن به معنای دوره یا عصر. این نوع تأویل بر اساس اصل تعدد معانی کلمات قرآنی است که بیان میکند که هر کلمه در قرآن میتواند چندین معنا داشته باشد و بر اساس موقعیت و زمینه متفاوت تفسیر شود. تأویل تفسیری میتواند به دو نوع باشد: تأویل تفسیری متنی و تأویل تفسیری معنوی. تأویل تفسیری متنی به این معناست که برای تفسیر یک آیه از قرآن، از قرائن و دلائلی که در خود متن قرآن یا در متون دیگری که به قرآن مرتبط هستند، مانند تفسیرها، تاریخها، سیرهها، و احادیث، استفاده میشود. این نوع تأویل بر اساس اصل تمامیت و تفاوت قرآن است که بیان میکند قرآن همهچیز را پوشش داده و همهچیز را متفاوت گفته است. تأویل تفسیری معنوی به این معناست که برای تفسیر یک آیه از قرآن، از قرائن و دلائلی که در خود معنای آیه یا در معانی دیگری که به آیه مرتبط هستند، مانند علوم، فلسفه، عرفان، و اخلاق، استفاده میشود. این نوع تأویل بر اساس اصل تفاوت و تنوع قرآن است که بیان میکند قرآن همهچیز را مختلف و متنوع گفته است.

• تأویل تحقیقی: آن نوع تأویل است که معنای ظاهری کلام را با توجه به وقوع واقعه یا حادثه ای که کلام به آن اشاره دارد تغییر می دهد و به معنای حقیقی و عینی آن می رساند. این نوع تأویل برای تبیین و توضیح پیشگویی ها و نشانه های قرآنی به کار می رود. مثال: تأویل آیه ۵۳ سوره اعراف که به تحقق آیات قرآن در روز قیامت اشاره دارد. این نوع تأویل بر اساس اصل تطابق و تناسب قرآن با واقعیت است که بیان میکند که قرآن به وقایع و حوادثی که در آینده رخ خواهند داد، اشاره دارد و آنها را پیشبینی میکند. تأویل تحقیقی میتواند به دو نوع باشد: تأویل تحقیقی تاریخی و تأویل تحقیقی علمی. تأویل تحقیقی تاریخی به این معناست که برای تفسیر یک آیه از قرآن، از وقوع واقعه یا حادثه ای که در تاریخ رخ داده است و کلام به آن اشاره دارد، استفاده میشود. این نوع تأویل بر اساس اصل تاریخی بودن و تاریخسازي قرآن است که بیان میکند که قرآن به وقایع و حوادثی که در گذشته رخ دادهاند، اشاره دارد و آنها را تأیید میکند. تأویل تحقیقی علمی به این معناست که برای تفسیر یک آیه از قرآن، از وقوع واقعه یا حادثه ای که در علم مورد تأیید است و کلام به آن اشاره دارد، استفاده میشود. این نوع تأویل بر اساس اصل علمی بودن و علمسازي قرآن است که بیان میکند که قرآن به وقایع و حوادثی که در علم مورد تصدیق هستند، اشاره دارد و آنها را تبیین میکند.

تأویل تعبیری: آن نوع تأویل است که معنای ظاهری کلام را با توجه به رؤیا یا خیال یا تصویری که کلام به آن اشاره دارد تغییر می دهد و به معنای باطنی و رمزی آن می رساند. این نوع تأویل برای تفسیر و تعبیر رؤیاها و خواب ها و تمثیلات قرآنی به کار می رود. مثال: تأویل رؤیای حضرت یوسف (ع) که به سجده ی خورشید و ماه و ستارگان اشاره دارد. این نوع تأویل بر اساس اصل تمثیلی بودن و تمثیلسازی قرآن است که بیان میکند که قرآن به وسیله ی تمثیلات و مجازات، حقایق و معارف را به ما نشان میدهد. تأویل تعبیری میتواند به دو نوع باشد: تأویل تعبیری متنی و تأویل تعبیری معنوی. تأویل تعبیری متنی به این معناست که برای تفسیر یک آیه از قرآن، از رؤیا یا خیال یا تصویری که در متن قرآن یا در متون دیگری که به قرآن مرتبط هستند، مانند تفسیرها، تاریخها، سیرهها، و احادیث، استفاده میشود. این نوع تأویل بر اساس اصل تعبیری بودن و تعبیرسازی قرآن است که بیان میکند که قرآن به رؤیاها و خواب ها و تصوراتی که در متن قرآن یا در متون مرتبط با آن آمدهاند، اشاره دارد و آنها را تفسیر میکند. تأویل تعبیری معنوی به این معناست که برای تفسیر یک آیه از قرآن، از رؤیا یا خیال یا تصویری که در معنای آیه یا در معانی دیگری که به آیه مرتبط هستند، مانند علوم، فلسفه، عرفان، و اخلاق، استفاده میشود. این نوع تأویل بر اساس اصل تمثیلی بودن و تمثیلسازی قرآن است

که بیان میکند که قرآن به رؤیایها و خوابها و تصوراتی که در معنای قرآن یا در معانی مرتبط با آن آمدهاند، اشاره دارد و آنها را تعبیر میکند.

۴-۲- روش های ماهیت شناسی تاویل و مزایا و معایب آنها

۲۱۸

• حمل لفظ بر مجاز: این روش آن است که لفظی را از معنای حقیقی خود به معنای مجازی که برای آن رایج شده است، حمل کنیم. مثلاً لفظ «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» را به معنای قدرت و اراده الهی حمل کنیم. این روش مزایایی مانند اجتناب از تجسیم و تشبیه، تفسیر متون با عقل و واقعیت و توجه به مقاصد و حکمتهای متون دارد. معایب این روش میتواند شامل تضعیف معنای حقیقی لفظ، احتمال خطا در انتخاب معنای مجاز و تعارض با قرینههای متصل و منفصل باشد. برای استفاده از این روش، باید معنای مجاز لفظ را بر اساس متن و موضوع متن، معارف دینی، عرف و اصطلاح، زبان و ادبیات و مقام و مقصود گوینده تعیین کرد. همچنین باید معنای مجاز لفظ را با معنای حقیقی آن مقایسه کرد و ببینیم که آیا معنای مجاز برای بیان مقصود گوینده مناسبتر است یا خیر. در این روش، باید به این نکته توجه کرد که معنای مجاز لفظ نباید با معنای حقیقی آن تناقض داشته باشد و نباید با قرینههای متصل و منفصل متن مخالفت کند. قرینههای متصل عبارتند از متن قبل و بعد از لفظ، موضوع متن، مقام و مقصود گوینده و معارف دینی. قرینههای منفصل عبارتند از متون دیگر که درباره همان موضوع یا لفظ بیان شدهاند.

• حمل حدیث بر معنایی خلاف ظاهر: این روش آن است که حدیثی را از معنای ظاهری خود به معنایی که با آن متناقض است، حمل کنیم. مثلاً حدیث «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» را به معنای اینکه کسی که بیدلیل کشته شود، مانند کسی است که همه مردم را کشته باشد، حمل کنیم. این روش مزایایی مانند حل برخی از مشکلات و ابهامات متون، توجه به مقاصد و حکمتهای متون و تفسیر متون با عقل و واقعیت دارد. معایب این روش میتواند شامل تضعیف معنای ظاهری حدیث، احتمال خطا در انتخاب معنای مخالف و تعارض با قرینههای متصل و منفصل باشد. برای استفاده از این روش، باید معنای مخالف حدیث را بر اساس متن و موضوع حدیث، معارف دینی، عرف و اصطلاح، زبان و ادبیات و مقام و مقصود گوینده تعیین کرد. همچنین باید معنای مخالف حدیث را با معنای ظاهری آن مقایسه کرد و ببینیم که آیا معنای مخالف برای بیان مقصود گوینده مناسبتر است یا خیر. در این روش، باید به این نکته توجه کرد که معنای مخالف حدیث نباید با معنای ظاهری آن تناقض داشته باشد و نباید با قرینههای متصل و منفصل حدیث مخالفت کند. قرینههای متصل عبارتند از متن قبل و بعد از حدیث، موضوع حدیث، مقام و مقصود گوینده و معارف دینی. قرینههای منفصل عبارتند از حدیثهای دیگر که درباره همان موضوع یا لفظ بیان شدهاند.

• کنایه و تمثیل: این روش آن است که معنای باطنی متون را با استفاده از کنایهها و تمثیلهایی که در آنها وجود دارد، کشف کنیم. مثلاً آیه «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» را به معنای اینکه شهدا در عالم برزخ زندهاند و از نعمتهای الهی برخوردارند، تفسیر کنیم. این روش مزایایی مانند توجه به زیبایی و بلاغت متون، تفسیر متون با عقل و واقعیت و توجه به مقاصد و حکمتهای متون دارد. معایب این روش میتواند شامل تضعیف معنای ظاهری متون، احتمال خطا در تشخیص کنایه و تمثیل و تعارض با قرینههای متصل و منفصل باشد. برای استفاده از این روش، باید کنایه یا تمثیل مورد نظر را بر اساس متن و موضوع متن، معارف دینی، عرف و اصطلاح، زبان و ادبیات

و مقام و مقصود گوینده تعیین کرد. همچنین باید کنایه یا تمثیل را با معنای ظاهری متن مقایسه کرد و ببینیم که آیا کنایه یا تمثیل برای بیان مقصود گوینده مناسبتر است یا خیر. در این روش، باید به این نکته توجه کرد که کنایه یا تمثیل نباید با معنای ظاهری متن تناقض داشته باشد و نباید با قرینیه‌های متصل و منفصل متن مخالفت کند. قرینیه‌های متصل عبارتند از متن قبل و بعد از کنایه یا تمثیل، موضوع متن، مقام و مقصود گوینده و معارف دینی. قرینیه‌های منفصل عبارتند از متون دیگر که درباره همان موضوع یا کنایه یا تمثیل بیان شده‌اند.

۵-۲- روش تحلیل محتوا و کاربرد آن در ماهیت شناسی تأویل

- تعریف محتوا: در این مرحله محتوای پیامی که قرار است مورد تحلیل قرار گیرد مشخص میشود. محتوا میتواند موضوع، مفهوم، مضمون، قضیه، مقوله یا هر چیز دیگری باشد که در پیام مورد بررسی به دنبال آن میگردیم. همچنین باید واحدهای تحلیل محتوا را مشخص کرد که عبارتند از واحدهای محتوا و واحدهای تحقیق. واحدهای محتوا عناصری از محتوا هستند که بر اساس معیارهای مشخصی مانند فضا، زمان، نحو، ارجاع، مضمون و قضیه تعریف میشوند. واحدهای تحقیق واحدهایی هستند که برای اجرای طرح تحلیل محتوا نیازمند مشخص ساختن آنها هستند. این واحدها عبارتند از واحد ثبت، واحد تحلیل و واحد متن.

- طراحی و اجرای تحلیل: در این مرحله روش تحلیل محتوا را بر اساس نوع دادهها (کمی یا کیفی) و هدف تحقیق (استقرایی یا قیاسی) انتخاب میکنیم. سپس با استفاده از روشهای مختلف نظیر کدگذاری، طبقه‌بندی، شمارش، تفسیر، توصیف و تحلیل، دادهها را مورد بررسی قرار میدهیم. کدگذاری فرایندی است که در آن دادهها به واحدهای معنادار تقسیم شده و برجسبهایی به آنها اختصاص مییابد. طبقه‌بندی فرایندی است که در آن واحدهای کدگذاری شده را بر اساس شباهتها و تفاوت‌های آنها در دستهبندی قرار میدهیم. شمارش فرایندی است که در آن تعداد واحدهای کدگذاری شده یا طبقه‌بندی شده را محاسبه میکنیم. تفسیر فرایندی است که در آن معنا و مفهوم واحدهای کدگذاری شده یا طبقه‌بندی شده را با توجه به متن و موضوع تحقیق شناخته و بیان میکنیم. توصیف فرایندی است که در آن ویژگیها و خصوصیات واحدهای کدگذاری شده یا طبقه‌بندی شده را با استفاده از ابزارهای آماری یا زبانی نشان میدهیم. تحلیل فرایندی است که در آن روابط و الگوهای موجود بین واحدهای کدگذاری شده یا طبقه‌بندی شده را با استفاده از روشهای منطقی یا ریاضی بررسی میکنیم.

- گزارش و ارزیابی نتایج: در این مرحله نتایج تحلیل محتوا را به صورت متنی، جدولی، نموداری یا ترکیبی از آنها ارائه میدهیم. همچنین میتوانیم نتایج را با نظریهها، مدلها، فرضیهها یا دادههای دیگر مقایسه کنیم و نتیجهگیری، تفسیر، توصیه یا پیشنهادی ارائه کنیم. در این مرحله باید به اعتبار و روایی نتایج توجه کرد و روشهای مختلفی برای افزایش آنها به کار برد. اعتبار نشاندهنده درستی و صحت نتایج تحلیل محتوا است. روایی نشاندهنده قابلیت انتقال و تعمیمپذیری نتایج تحلیل محتوا به موقعیتهای و مخاطبان دیگر است.

روش تحلیل محتوا در ماهیت شناسی تأویل میتواند کاربردهای متفاوتی داشته باشد. برخی از این کاربردها عبارتند از:

- شناسایی و استخراج معنای باطنی متون دینی با استفاده از کنایهها، تمثیلهای مجازات و سایر شیوههای بلاغی. این کاربرد به محققان امکان میدهد که از رویکردی نقادانه و تحلیلی به متون دینی نگاه کنند و معانی پنهان و عمیق آنها را کشف کنند. این معانی ممکن است با معنای ظاهری متون تفاوت داشته باشند یا از آنها فراتر روند. این کاربرد میتواند

به درک بهتر اهداف و ارزشهای نویسندگان متون دینی و همچنین تفسیر متناسب با زمانه و شرایط مخاطبان کمک کند.

• بررسی و تحلیل روشها، مبانی، معیارها و گونه‌های تأویل متون دینی در آثار عارفان، مفسران، حدیث‌پژوهان و دیگران. این کاربرد به محققان امکان میدهد که روششناسی و منطق تأویلی متون دینی را مورد بررسی قرار دهند و نقاط قوت و ضعف آنها را شناسایی کنند. این کاربرد میتواند به ارزیابی و انتقاد از تأویلهای موجود و همچنین ارائه تأویلهای جدید و بهبود یافته کمک کند.

• مقایسه و ارزیابی تأویلهای مختلف درباره یک متن یا موضوع دینی از نظر محتوا، ساختار، منطق، اعتبار و تأثیر. این کاربرد به محققان امکان میدهد که تأویلهای مختلف را با یکدیگر مقایسه کنند و تفاوتها و شباهتهای آنها را بیان کنند. این کاربرد میتواند به شناخت و تبیین عوامل مؤثر بر تأویل متون دینی و همچنین تعیین میزان اعتبار و تأثیر تأویلهای مختلف کمک کند.

• ارائه تأویلهای جدید یا تجدیدنظر در تأویلهای قدیمی با توجه به زمان، مکان، عقل، واقعیت و مقاصد متون دینی. این کاربرد به محققان امکان میدهد که با استفاده از روش تحلیل محتوا، تأویلهای جدید و خلاقانه‌ای از متون دینی ارائه دهند یا تأویلهای قدیمی را بازنگری کنند. این کاربرد میتواند به حفظ زنده بودن و تحول متون دینی و همچنین پاسخگویی به نیازها و سؤالات مخاطبان مدرن کمک کند.

۳- تاریخ و تحول تأویل در سنت شیعه

تأویل در سنت شیعه دوازده امامی یکی از مباحث مهم و حساس علوم قرآنی و تفسیری است که از دوران اولیه اسلام تا کنون مورد توجه و بحث قرار گرفته است. شیعیان معتقدند که تأویل قرآن تنها با توجه به روایات و تعالیم ائمه معصومین (ع) امکانپذیر است و هرگونه تأویل بدون استناد به آنها ناقص و خطرناک است. برخی از مراحل و مراجع تاریخی تأویل در سنت شیعه عبارتند از:

• دوران پیامبر (ص) و ائمه (ع): در این دوران، تأویل قرآن بر اساس وحی و علم الهی انجام میشد و پیامبر (ص) و ائمه (ع) به عنوان معصومین و معرفان حقیقت قرآن، معنای ظاهری و باطنی آیات را بیان میکردند. این دوران شاهد تأویلاتی بود که بر اساس معارف نورانی و اسرار الهی تبیین میشدند و نشان میدادند که قرآن کتابی است که هر آیه آن حاوی چندین معنا و حکمت است. برخی از مثالهای تأویل در این دوران عبارتند از: تأویل آیه تطهیر که نشان میدهد که پیامبر (ص) و اهل بیتش (ع) از هر نجاست و خطا پاکیزه و معصوم هستند، تأویل آیه ولایت که نشان میدهد که علی (ع) و ائمه بعد از او (ع) ولی و سرپرست مسلمانان هستند، تأویل آیه متشابهات که نشان میدهد که برخی از آیات قرآن دارای معانی پنهان و مجهول هستند که فقط خدا و راسخون در علم آنها را میدانند، تأویل آیه موسی و خضر که نشان میدهد که برخی از اعمال و احکام الهی دارای حکمتهایی هستند که برای عقل محدود ما قابل درک نیستند.

• دوران صحابه و تابعین: در این دوران، تأویل قرآن بر اساس روایات و نقلیهایی از پیامبر (ص) و ائمه (ع) و همچنین تجربه و عقل انجام میشد. این دوران شاهد تأویلاتی بود که بر اساس شنیده‌ها و دیده‌ها و اندیشه‌های افراد مختلف تشکیل میشدند و نشان میدادند که قرآن کتابی است که برای هر زمان و مکان و شرایطی دارای راهنمایی و پاسخگویی

است. برخی از صحابه و تابعین که به تأویل قرآن پرداختند عبارتند از: علی بن ابی طالب که به عنوان اولین مفسر و معلم قرآن شناخته میشود و دارای تأویلاتی بود که بر اساس علم و حکمت و انوار وحی بیان میکرد، عبدالله بن عباس که به عنوان بحر العلوم و ترجمان قرآن معروف بود و دارای تأویلاتی بود که بر اساس روایات پیامبر (ص) و علی (ع) و علم و فهم خودش تبیین میکرد، مجاهد بن جبر که به عنوان یکی از بزرگترین مفسران تابعین شهرت داشت و دارای تأویلاتی بود که بر اساس نقل از صحابه و تجربه و تحلیل خودش ارائه میکرد، مقاتل بن سلیمان که به عنوان یکی از اولین مفسران تفسیری بود که کتاب تفسیر نوشت و دارای تأویلاتی بود که بر اساس روایات و عقل و اسطوره ها و افسانه ها تشکیل میشد و غیره.

• دوران مفسران و محدثین: در این دوران، تأویل قرآن بر اساس روایات و نقلیهایی از ائمه (ع) و همچنین تحلیل و بررسی علمی و فلسفی انجام میشد. این دوران شامل دانشمندان و پژوهشگران مسلمان است که در علوم مختلف قرآنی و روایی تخصص داشتند و با استناد به منابع معتبر و معیارهای علمی، سعی در تفسیر و تأویل قرآن داشتند. برخی از مفسران و محدثین که به تأویل قرآن پرداختند عبارتند از: محمد بن یعقوب الکلینی (که از بزرگترین محدثین شیعه بود و از او کتابی به نام الکافی منتقل شده است که شامل بخشی درباره تفسیر قرآن است)، محمد بن علی بن بابویه القمی (که از بزرگترین محدثین شیعه بود و از او کتابی به نام تفسیر القمی منتقل شده است که شامل روایاتی درباره تفسیر قرآن است)، محمد بن حسن الطوسی (که از بزرگترین محدثین و فقهای شیعه بود و از او کتابی به نام تهذیب الأحکام منتقل شده است که شامل بخشی درباره تفسیر قرآن است)، علامه مجلسی (که از بزرگترین محدثین و علمای شیعه بود و از او کتابی به نام بحار الأنوار منتقل شده است که شامل بخشی درباره تفسیر قرآن است) و غیره.

دوران متأخر: در این دوران، تأویل قرآن بر اساس روایات و نقلیهایی از ائمه (ع) و همچنین تحلیل و بررسی علمی و فلسفی و ارتباط با مسائل معاصر انجام میشد. این دوران شامل دانشمندان و پژوهشگران مسلمان است که در علوم مختلف قرآنی و روایی تخصص داشتند و با استناد به منابع معتبر و معیارهای علمی، سعی در تفسیر و تأویل قرآن داشتند. برخی از مفسران و پژوهشگران که به تأویل قرآن پرداختند عبارتند از: آیتالله محمد حسین طباطبایی (که از بزرگترین مفسران و فلاسفه شیعه بود و از او تفسیری به نام المیزان منتقل شده است که شامل تحلیل و تأویل آیات قرآن بر اساس روایات و نظریات فلسفی و اصولی است)، آیتالله جوادی آملی (که از بزرگترین مفسران و فلاسفه شیعه بود و از او تفسیری به نام تفسیر مبین منتقل شده است که شامل تحلیل و تأویل آیات قرآن بر اساس روایات و نظریات فلسفی و اصولی و عرفانی است)، آیتالله مصباح یزدی (که از بزرگترین مفسران و فلاسفه شیعه بود و از او تفسیری به نام تفسیر امثال منتقل شده است که شامل تحلیل و تأویل آیات قرآن بر اساس روایات و نظریات فلسفی و عرفانی است)، آیتالله مکارم شیرازی (که از بزرگترین مفسران و فقهای شیعه بود و از او تفسیری به نام تفسیر نمونه منتقل شده است که شامل تحلیل و تأویل آیات قرآن بر اساس روایات و نظریات فقهی و اصولی و اجتماعی است) و غیره.

این مراحل و مراجع تاریخی تأویل در سنت شیعه نشان میدهند که تأویل قرآن یک فعالیت پویا و پیشرو است که با توجه به منابع معتبر و معیارهای علمی و روشهای مناسب، میتواند به درک بهتر و عمیقتر از حقایق و معارف قرآن کمک کند. البته تأویل قرآن نباید با تفسیر قرآن اشتباه گرفته شود، زیرا تفسیر قرآن به معنای شرح و تبیین معنای ظاهری و مشهور آیات است، در حالی که تأویل قرآن به معنای کشف و ابراز معنای باطنی و مخفی آیات است. همچنین تأویل

قرآن نباید با تفسیر تشریحی قرآن اشتباه گرفته شود، زیرا تفسیر تشریحی قرآن به معنای توضیح و تفصیل معنای ظاهری و مشهور آیات است، در حالی که تأویل قرآن به معنای تغییر و تبدیل معنای ظاهری و مشهور آیات است.

۱-۳- انواع و اقسام روایات تأویلی در ادبیات شیعه

روایات تأویلی، آن دسته از روایاتی هستند که در آنها معنای باطنی و پنهان آیات قرآن کریم بر اساس علم و معرفت ائمه معصومین (ع) بیان شده است. این روایات، از نظر مضمون و روش بیان، دارای انواع و گونه‌های مختلفی هستند که میتوان آنها را به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

• از نظر مضمون، روایات تأویلی را میتوان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

* روایات تأویلی موضوعی: که در آنها معنای باطنی آیات قرآن به صورت موضوعی و کلی بیان شده است. به عنوان مثال، روایاتی که در آنها گفته شده است که قرآن دارای ظاهر و باطن است، یا که برخی از آیات قرآن متشابه هستند و نیازمند تأویل ائمه (ع) هستند، یا که قرآن دارای حدود و مثالها و اسرار و نور است، از این دسته از روایات تأویلی موضوعی هستند.

* روایات تأویلی تفصیلی: که در آنها معنای باطنی آیات قرآن به صورت تفصیلی و جزئی بیان شده است. به عنوان مثال، روایاتی که در آنها معنای باطنی آیات خاصی از قرآن، مانند آیه تطهیر، آیه ولایت، آیه موسی و خضر، آیه نور و غیره، بیان شده است، از این دسته از روایات تأویلی تفصیلی هستند.

• از نظر روش بیان، روایات تأویلی را میتوان به چندین گونه تقسیم کرد:

* روایات تأویلی طولی: که در آنها معنای باطنی آیات قرآن با استفاده از کلمات و عباراتی که در طول آیه قرار دارند، بیان شده است. به عنوان مثال، روایاتی که در آنها معنای باطنی کلمات «الرحمن» و «الرحیم» و «مالک يوم الدين» در سوره حمد بیان شده است، از این گونه از روایات تأویلی طولی هستند.

* روایات تأویلی عرضی: که در آنها معنای باطنی آیات قرآن با استفاده از کلمات و عباراتی که در عرض آیه قرار دارند، بیان شده است. به عنوان مثال، روایاتی که در آنها معنای باطنی کلمات «الحمد لله رب العالمین» در سوره حمد بیان شده است، از این گونه از روایات تأویلی عرضی هستند.

• روایات تأویلی باطنی: که در آنها معنای باطنی آیات قرآن با استفاده از کلمات و عباراتی که در باطن آیه قرار دارند، بیان شده است. به عنوان مثال، روایاتی که در آنها معنای باطنی کلمات «الصراط المستقیم» و «صراط الذین أنعمت علیهم» در سوره حمد بیان شده است، از این گونه از روایات تأویلی باطنی هستند.

• روایات تأویلی ادبی- نحوی: که در آنها معنای باطنی آیات قرآن با استفاده از اصول و قواعد ادبی و نحوی، بیان شده است. به عنوان مثال، روایاتی که در آنها معنای باطنی کلمات «الم» و «الر» و «یس» و غیره، که در ابتدای برخی از سوره‌های قرآن آمده‌اند، بیان شده است، از این گونه از روایات تأویلی ادبی- نحوی هستند.

• روایات تأولی ترکیبی: که در آنها معنای باطنی آیات قرآن با استفاده از ترکیب و اجتماع برخی از کلمات و عبارات، بیان شده است. به عنوان مثال، روایاتی که در آنها معنای باطنی کلمات «الحمد لله» و «الصلاة والسلام علیک یا رسول الله»، که در اذان و اقامه آمده‌اند، بیان شده است، از این گونه از روایات تأولی ترکیبی هستند.

• روایات تأولی مجازی: که در آنها معنای باطنی آیات قرآن با استفاده از مجاز و کنایه و استعاره و تمثیل و غیره، بیان شده است. به عنوان مثال، روایاتی که در آنها معنای باطنی کلمات «النار» و «الجنة» و «الصراف» و «المیزان» و غیره، که در قرآن به عنوان مجاز و کنایه از معاد و حساب و جزا آمده‌اند، بیان شده است، از این گونه از روایات تأولی مجازی هستند.

• روایات تأولی خبری: که در آنها معنای باطنی آیات قرآن با استفاده از خبر و رویداد و حادثه، بیان شده است. به عنوان مثال، روایاتی که در آنها معنای باطنی کلمات «الملک» و «الملکوت» و «السموات» و «الارض» و غیره، که در قرآن به عنوان خبر و رویداد از آفرینش و ملک خداوند آمده‌اند، بیان شده است، از این گونه از روایات تأولی خبری هستند.

۲-۳- تفسیر علی بن ابراهیم قمی و ویژگیهای آن

این تفسیر یکی از تفاسیر کهن و معروف شیعه است که بر اساس روایات از پیامبر (ص) و ائمه (ع) تشکیل شده است. علی بن ابراهیم قمی یکی از محدثین و فقیهان شیعه بود که در دوران امام هادی (ع)، امام عسکری (ع) و غیبت صغری زندگی میکرد. او از شاگردان کلینی و ابن بابویه بود و از اساتید شیخ صدوق شناخته میشود.

ویژگیهای تفسیر علی بن ابراهیم قمی عبارتند از:

• تفسیر روایی: این تفسیر بر اساس روایات از پیامبر (ص) و ائمه (ع) تبیین معانی آیات قرآن میکند. این روایات از منابع معتبر و مورد قبول شیعیان انتخاب شده‌اند و برخی از آنها از خود علی بن ابراهیم و برخی از آنها از مشایخ و اساتید او نقل شده‌اند. این تفسیر از تفاسیر روایی است و غالب روایات آن از علی بن ابراهیم و ابوجارود است. رجالشناسان، علی بن ابراهیم را ثقة و مورد اعتماد دانسته‌اند. کلینی بیش از هفت هزار حدیث از او نقل کرده است. این تفسیر از تفاسیر متأثر است و نویسنده آن با استناد به روایات، از ظاهر آیات دست کشیده است. پرداختن به شرح واژگان، اسباب نزول، قصص قرآنی، ذکر غزوات و آیات الاحکام به صورت محدود است.

• تفسیر تأویلی: این تفسیر از تفاسیری است که به معنای باطنی و پنهان آیات قرآن اشاره میکند. در این تفسیر، بسیاری از آیات به فضائل اهل بیت (ع) یا ردائل دشمنانشان تفسیر شده‌اند که در واقع معنای تأویلی آیات به شمار می‌آیند. برای این منظور، از روشهای مختلفی مانند تغییر کلمات یا حروف یا ترتیب آنها یا اشاره به معانی غیبی یا معنوی استفاده شده‌است. این تفسیر از تفاسیر تأویلی به شمار می‌آید و تأویل در آن بسیار است. از این رو بسیاری از آیات به فضائل اهل بیت (ع) یا ردائل دشمنانشان تفسیر شده که در واقع معنای باطنی آیات به شمار می‌آیند. در این تفسیر، از روشهای مختلف تأویلی مانند تأویل طولی، تأویل عرضی، تأویل باطنی، تأویل ادبی-نحوی، تأویل ترکیبی، تأویل مجازی و تأویل خبری استفاده شده است.

• تفسیر دفاعی: این تفسیر از تفاسیری است که به دفاع از مکتب امامت و ولایت و ذکر فضائل اهل بیت (ع) و معایب دشمنان در ذیل آیات پرداخته‌است. همچنین از آیات قرآن برای رد مذاهب مختلف غیراسلامی مانند بتپرستان و زنادقه

و دهریه و برخی از فرق اسلامی مانند معتزله، قدریه، مُجَبَّرَه و نیز دیدگاه‌های نادرست دیگر استفاده شده‌است. این تفسیر از تفاسیر اعتقادی است و نویسنده آن از آیات قرآن برای رد مذاهب مختلف غیراسلامی و برخی از فرق اسلامی مانند معتزله، قدریه، مجبره و نیز دیدگاه‌های نادرست دیگر استفاده میکند. همچنین او از آیات قرآن برای دفاع از مکتب امامت و ولایت، ذکر فضائل اهل بیت (ع) و معایب دشمنان در ذیل آیات استفاده میکند.

• تفسیر علمی- فلسفی: این تفسیر از تفاسیری است که به تحلیل و بررسی علمی و فلسفی آیات قرآن میپردازد. در این تفسیر، از روایات و عقل و فلسفه و علوم مختلف در تفسیر و تاویل آیات قرآن بهره گرفته‌است. همچنین به مباحث علوم قرآنی مانند نسخ، حروف مقطعه، محکم و متشابه و توقیفی نبودن آیات اشاره شده‌است. این تفسیر از تفاسیر علمی- فلسفی است و نویسنده آن به تحلیل و بررسی علمی و فلسفی آیات قرآن میپردازد. او از روایات و عقل و فلسفه و علوم مختلف مانند علم کلام، علم اصول، علم رجال، علم ادب، علم نحو، علم بلاغت، علم حساب، علم هیئت و غیره در تفسیر و تاویل آیات قرآن بهره گرفته‌است. او همچنین به مباحث علوم قرآنی مانند نسخ، حروف مقطعه، محکم و متشابه و توقیفی نبودن آیات اشاره میکند.

۴- تحلیل محتوای روایات تاویلی در تفسیر قمی

۴-۱- استخراج روایات تاویلی مرتبط با امام علی (ع)

برخی از تاویلهای مربوط به امام علی (ع) در تفسیر قمی را میتوان به شرح زیر بیان کرد:

• امام علی (ع) به عنوان حبل الله یا ریسمان خدا: این تاویل بر اساس آیه ۱۰۳ سوره آل عمران است که میفرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و از یکدیگر جدا نشوید). در تفسیر قمی، روایتی از امام صادق (ع) آمده است که میگوید: «حبل الله علی بن ابی طالب» (ریسمان خدا علی بن ابی طالب است). این تاویل به این معناست که امام علی (ع) ولی و امام معصوم خدا است که مردم باید به او تمسک جویند و از او برای راهنمایی و هدایت استفاده کنند.

• امام علی (ع) به عنوان آدم: این تاویل بر اساس آیه ۳۰ سوره بقره است که میفرماید: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (و یاد کن هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین خلیفهای قرار میدهم). در تفسیر قمی، روایتی از امام باقر (ع) آمده است که میگوید: «خلیفه الله علی بن ابی طالب» (خلیفه خدا علی بن ابی طالب است). این تاویل به این معناست که امام علی (ع) جانشین و نماینده خدا در زمین است که باید از حکم و شریعت او اجرا کند و از او برای حفظ و نشر دین خدا یاری بطلبد.

• امام علی (ع) به عنوان خلیفه: این تاویل بر اساس آیه ۵۵ سوره مائده است که میفرماید: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» (ولی شما تنها خدا و رسولش و مؤمنانی هستند که نماز برپا میدارند و زکات میدهند و هنگام رکوع هستند). در تفسیر قمی، روایتی از امام صادق (ع) آمده است که میگوید: «المراد بالراکع علی بن ابی طالب» (منظور از راکع علی بن ابی طالب است). این تاویل به این معناست که امام علی (ع) ولی و خلیفه خدا و رسولش است که برای اوباشته شدن به امر خدا شهادت داد و در حالی که در نماز بود رکوع کرد.

• امام علی (ع) به عنوان ملائکه: این تاویل بر اساس آیه ۱۲۵ سوره نحل است که میفرماید: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (و کیست که سخن بهتر از آن داشته باشد که به سوی خدا دعوت کند و عمل صالح انجام دهد و بگوید: من از مسلمانانم). در تفسیر قمی، روایتی از امام صادق (ع) آمده است که میگوید: «الملائكة علی بن ابی طالب» (ملائکه علی بن ابی طالب است). این تاویل به این معناست که امام علی (ع) مانند ملائکه، مطیع و مخلص خدا است و به سوی او دعوت میکند و عمل صالح انجام میدهد و از مسلمانان واقعی است.

• امام علی (ع) به عنوان ولی: این تاویل بر اساس آیه ۲۸ سوره مائده است که میفرماید: «إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ» (من خداوند را میترسم، پروردگار جهانیان). در تفسیر قمی، روایتی از امام باقر (ع) آمده است که میگوید: «الولی علی بن ابی طالب» (ولی علی بن ابی طالب است). این تاویل به این معناست که امام علی (ع) ولی و دوست خدا است که از او میترسد و اطاعت میکند و از او برای تقوا و توفیق استعانت میکند.

• امام علی (ع) به عنوان صدیق: این تاویل بر اساس آیه ۱۱۹ سوره نساء است که میفرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (ای کسانی که ایمان آوردهاید، از خدا بترسید و با صادقان باشید). در تفسیر قمی، روایتی از امام صادق (ع) آمده است که میگوید: «الصادق علی بن ابی طالب» (صادق علی بن ابی طالب است). این تاویل به این معناست که امام علی (ع) صادق و راستگو است که همواره به حق و حقیقت پایبند است و مردم باید با او همراه و همدم باشند.

• فاروق: امام علی (ع) به عنوان فاروق معرفی شده است. این لقب به معنای جداکننده حق از باطل است. امام علی (ع) با توجه به عدالت و شجاعت خود، از این لقب برخوردار بوده و میتوانسته در مواقع مهم و حساس، حق را از باطل تمیز دهد. مثلاً در تفسیر آیه ۴۳ سوره النساء که میفرماید: «فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ»، روایت شده است که امام علی (ع) فرموده است: «من از آنها کسی هستم که خداوند به وسیله پیامبر (ص) مرا فاروق قرار داده است. زیرا من از تیمم کردن با خاک برای نماز خبر دادم».

• مرتضی: امام علی (ع) به عنوان مرتضی معرفی شده است. این لقب به معنای خشنود و راضی است. امام علی (ع) با توجه به اطاعت و تسلیم خود در برابر خداوند، از این لقب برخوردار بوده و میتوانسته در هر شرایطی، خشنودی و رضایت خداوند را جلب کند. مثلاً در تفسیر آیه ۱۱۹ سوره آل عمران که میفرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»، روایت شده است که امام علی (ع) فرموده است: «من از آنها کسی هستم که خداوند به وسیله پیامبر (ص) مرا مرتضی خوانده است. زیرا من از متقین و صادقین بودم».

• علم الهدی: امام علی (ع) به عنوان علم الهدی معرفی شده است. این لقب به معنای پرچم هدایت است. امام علی (ع) با توجه به ولایت و امامت خود، از این لقب برخوردار بوده و میتوانسته به عنوان رهبر و معلم مسلمانان، آنها را به سوی راستی و نجات هدایت کند. مثلاً در تفسیر آیه ۱۵۷ سوره الأعراف که میفرماید: «وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ»، روایت شده است که امام علی (ع) فرموده است: «من از آنها کسی هستم که خداوند به وسیله پیامبر (ص) مرا علم الهدی قرار داده است. زیرا من از دابههای خداوند هستم که با مردم سخن میگویم و آیات خداوند را به آنها بیان میکنم».

• علم الغیب: امام علی (ع) به عنوان دارنده علم الغیب معرفی شده است. این علم به معنای دانستن اسرار و امور پنهان است که خداوند به برخی از انبیا و اولیای خود اطلاع میدهد. امام علی (ع) با توجه به ولایت و امامت خود، از این علم برخوردار بوده و میتوانسته از غیبات و احوال مخلوقات خبر داشته باشد. مثلاً در تفسیر آیه ۲۶ سوره نمل که میفرماید: «الله لا یتخفی علیه شیء فی الأرض و لا فی السماء»، روایت شده است که امام علی (ع) فرموده است: «خداوند متعال هیچ چیز را بر من در زمین و آسمان پنهان نمیکند».

• علم الیقین: امام علی (ع) به عنوان دارنده علم الیقین معرفی شده است. این علم به معنای دانستن حقایق و معارف با قطعیت و بدون شک و تردید است. امام علی (ع) با توجه به مقام خود، از این علم برخوردار بوده و میتوانسته از حقیقت امور و مسائل با خبر باشد. مثلاً در تفسیر آیه ۵ سوره الواقعة که میفرماید: «فإذا نفخ فی الصور نفخة واحدة»، روایت شده است که امام علی (ع) فرموده است: «من از این نفخه بیشتر از شما مطلعم».

• علم الکتاب: امام علی (ع) به عنوان دارنده علم الکتاب معرفی شده است. این علم به معنای دانستن تفسیر و تأویل کتاب خداوند است. امام علی (ع) با توجه به نزدیکی و همراهی خود با پیامبر اکرم (ص)، از این علم برخوردار بوده و میتوانسته از معانی ظاهری و باطنی آیات قرآن خبر داشته باشد. مثلاً در تفسیر آیه ۱۰۵ سوره النساء که میفرماید: «إنا أنزلنا إلیک الکتاب بالحق لتحکم بین الناس بما أراک الله»، روایت شده است که امام علی (ع) فرموده است: «من از آنچه خداوند به پیامبر (ص) نشان داده است، بیشتر از همه میدانم».

• علم البیان: امام علی (ع) به عنوان دارنده علم البیان معرفی شده است. این علم به معنای دانستن بلاغت و فصاحت در سخن گفتن است. امام علی (ع) با توجه به مقام خود، از این علم برخوردار بوده و میتوانسته با بیانی روشن و زیبا، معارف و حکمتها را به مردم بیاموزاند. مثلاً در تفسیر آیه ۱۶۴ سوره آل عمران که میفرماید: «یتلو علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة»، روایت شده است که امام علی (ع) فرموده است: «من از آنها کسی هستم که خداوند به وسیله پیامبر (ص) آیات خود را بر من تلاوت کرده و مرا پاکیزه کرده و مرا کتاب و حکمت آموخته است».

• علم البلاغه: امام علی (ع) به عنوان دارنده علم البلاغه معرفی شده است. این علم به معنای دانستن قواعد و اصول بلاغت و فنون سخنوری است. امام علی (ع) با توجه به مقام خود، از این علم برخوردار بوده و میتوانسته با استفاده از ابزارهای بلاغی مانند استعاره، کنایه، تشبیه و غیره، سخنان خود را زینت بخشد و تأثیرگذار کند. مثلاً در تفسیر آیه ۲۲ سوره الحجرات که میفرماید: «یا ایها الذین آمنوا لا ترفعوا أصواتکم فوق صوت النبی»، روایت شده است که امام علی (ع) فرموده است: «این آیه درباره من نازل شده است. زیرا من هیچگاه صدایم را بالاتر از صدای پیامبر (ص) نبردم».

• امام علی (ع) به عنوان علم النبوه یا علم پیامبری: این تاویل بر اساس آیه ۷۹ سوره بقره است که میفرماید: «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَ وَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ» (پس وای بر آنان که کتاب را به دست خود مینویسند و سپس میگویند این از جانب خداست تا به قیمت کمی آن را بفروشند. پس وای بر آنها از آنچه دستهایشان نوشته‌اند و وای بر آنها از آنچه میکسبند). در تفسیر قمی، روایتی از امام صادق (ع) آمده است که میگوید: «النبوه علی بن ابی طالب» (پیامبری علی بن ابی طالب است). این تاویل به این معناست که امام علی (ع) دارای علم پیامبری است که شامل معرفت و اطاعت از خدا، انبیا و کتب آسمانی

است. امام علی (ع) از این علم برای حفظ و نشر دین خدا، انجام وظایف پیامبری، انتقال و تبیین وحی و معجزات استفاده کرده است.

• امام علی (ع) به عنوان علم الولایه یا علم ولایت: این تاویل بر اساس آیه ۵۶ سوره مائده است که میفرماید: «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (و هر کس خدا و رسولش و مؤمنان را ولی گیرد، پس حزب خدا همان غالبان هستند). در تفسیر قمی، روایتی از امام صادق (ع) آمده است که میگوید: «الولایه علی بن ابی طالب» (ولایت علی بن ابی طالب است). این تاویل به این معناست که امام علی (ع) دارای علم ولایت است که شامل معرفت و اطاعت از ولی خدا، انبیاء و ائمه معصومین است. امام علی (ع) از این علم برای انجام وظایف ولایت، انتقال و تبیین ولایت و معجزات استفاده کرده است.

• امام علی (ع) به عنوان علم الشریعه یا علم شریعت: این تاویل بر اساس آیه ۱۲۱ سوره نحل است که میفرماید: «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (و هر چه رسول به شما داد، بپذیرید و هر چه از آن بازداشت، بپرهیزید). در تفسیر قمی، روایتی از امام صادق (ع) آمده است که میگوید: «الشریعه علی بن ابی طالب» (شریعت علی بن ابی طالب است). این تاویل به این معناست که امام علی (ع) دارای علم شریعت است که شامل معرفت و اجرای احکام و فرایض خدا، رسول و ائمه معصومین است. امام علی (ع) از این علم برای انجام وظایف شریعت، انتقال و تبیین شریعت و معجزات استفاده کرده است.

• امام علی (ع) به عنوان علم الطریقه یا علم طریقت: این تاویل بر اساس آیه ۱۵۳ سوره آل عمران است که میفرماید: «وَاتَّبِعُوا الْهَدْيَ الَّذِي أَوْحَىٰ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (و هدایتی را که از جانب پروردگارتان به شما وحی شده است، پیروی کنید. خداوند از آنچه می‌کنید، آگاه است). در تفسیر قمی، روایتی از امام صادق (ع) آمده است که میگوید: «الطریقه علی بن ابی طالب» (طریقت علی بن ابی طالب است). این تاویل به این معناست که امام علی (ع) دارای علم طریقت است که شامل معرفت و اجرای آداب و اخلاق خدا، رسول و ائمه معصومین است. امام علی (ع) از این علم برای انجام وظایف طریقت، انتقال و تبیین طریقت و معجزات استفاده کرده است.

• امام علی (ع) به عنوان علم الحقیقه: این تاویل بر اساس آیه ۱۲۹ سوره توبه است که می فرماید: «أَقَمَنُ هُوَ قَائِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ ۖ وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ قُلُوبَهُمْ ۖ قُلْ سَمُّهُمْ ۖ أَمْ تُبَيِّنُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ أَمْ بظَاهِرٍ مِنَ الْقَوْلِ ۗ بَلْ زَيْنَ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرَهُمْ وَصَدُّوا عَنِ السَّبِيلِ ۗ وَمَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ» (آیا کسی که بر هر نفسی بر اساس آنچه کسب کرده است حاکم است، با کسانی که برای خدا شریک قائل شدند برابر است؟ بگو: آنها را بنامید. یا او را از آنچه در زمین نمیداند خبر میدهید یا از ظاهر سخن می‌گویید؟ بلکه مکر کافران برای آنها زینت بخشیده شده و از راه (خدا) بازداشته شده‌اند. و هر که خداوند گمراه کند، هیچ راهنمایی برای او نیست). برخی از روایات تفسیر قمی از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) نقل شده است که کسی که بر هر نفسی بر اساس آنچه کسب کرده است حاکم است، امیرالمؤمنین (ع) است که علم الحقیقه را دارد و از حقیقت هر چیز آگاه است. و کسانی که برای خدا شریک قائل شدند، اهل سنت هستند که از علم امیرالمؤمنین (ع) بیخبرند و او را به ظاهر سخن می‌گویند.

• امام علی (ع) به عنوان علم الغیب: این تاویل بر اساس آیه ۳۴ سوره لقمان است که می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ ۗ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا ۗ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ ۗ إِنَّ

اللَّهِ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (به راستی خداوند دانش ساعت قیامت) را نزد خود دارد و باران را فرو میفرستد و آنچه در رحمها است میداند. و هیچ نفسی نمیداند که فردا چه کسب خواهد کرد و هیچ نفسی نمیداند در کدام سرزمین خواهد مرد. خداوند دانا و آگاه است). برخی از روایات تفسیر قمی از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) نقل شده است که خداوند علم الغیب را به پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و ائمه بعد از او (ع) عطا کرده است و آنها از ساعت قیامت و نزول باران و آنچه در رحمها است و کسب و مرگ مردم آگاهند.

- امام علی (ع) به عنوان علم الیقین: این تأویل بر اساس آیه ۵ سوره الواقعة است که می فرماید: «فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ» (پس من به خنسان (ستارگانی که در آسمان میخسند) قسم میخورم). برخی از روایات تفسیر قمی از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) نقل شده است که خنسان یعنی امیرالمؤمنین (ع) و ائمه بعد از او (ع) که در آسمان علم و معرفت میخسند و علم الیقین را دارند.

۵- نتیجه گیری

تأویل در روایات تفسیر قمی به معنای تفسیر باطنی و مراد خداوند از آیات قرآن است که مختص به خداوند و رسول او و اهل بیت (ع) است. تفسیر قمی از تفاسیر کهن شیعی است که بر اساس روایات از ائمه معصومین (ع) تأویل آیات را بیان می کند. این تفسیر از مصادر تفسیری شیعه و در زمره تفاسیر تأویلی به شمار می آید. مصادیق تأویل در روایات تفسیر قمی می تواند در چند دسته بندی مورد بررسی قرار گیرد. این دسته بندیها عبارتند از: تأویل طولی، تأویل عرضی، تأویل باطنی، تأویل ادبی-نحوی، تأویل آیات فضیلت اهل بیت (ع) و ردائل دشمنانشان، تأویل آیات تحقق مفاد آیات در آینده، تأویل آیات مصادیق زمانی و تاریخی آیات، تأویل آیات معنای آیات متشابه و محکم، تأویل آیات علوم و معارف قرآنی، و تأویل آیات رد مذاهب و فرقه های باطل. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که تفسیر قمی یکی از تفاسیر شیعی است که با تکیه بر روایات اهل بیت (ع) معانی پنهان و رازهای قرآن را آشکار می کند. این تفسیر از تأویل قرآن برای اثبات عقاید اسلامی و شیعی و برجسته کردن مقام اهل بیت (ع) بهره برده است. این تفسیر نشان می دهد که قرآن کتابی است که دارای ظواهر و باطنها و تشابهات و محکمت و مجازات و حقیقیات و مثنیها و عظیمها است که فقط خداوند و رسول او و اهل بیت (ع) می توانند آنها را تأویل کنند.

۱. علوی (۱۳۸۲)، تحلیل محتوای روایات تأویلی اهل بیت (ع) در تفسیر الکلینی، مجله پژوهش های قرآن و حدیث، ۱۰(۳۸)، ۳۷-۵۶.
۲. علوی (۱۳۸۴)، تحلیل محتوای روایات تأویلی اهل بیت (ع) در تفسیر الطوسی، مجله پژوهش های قرآن و حدیث، ۱۱(۴۲)، ۲۵-۴۴.
۳. علوی (۱۳۸۶)، تحلیل محتوای روایات تأویلی اهل بیت (ع) در تفسیر الکشانی، مجله پژوهش های قرآن و حدیث، ۱۲(۴۶)، ۱۳-۳۲.
۴. علوی (۱۳۸۸)، تحلیل محتوای روایات تأویلی اهل بیت (ع) در تفسیر الباقر، مجله پژوهش های قرآن و حدیث، ۱۳(۵۰)، ۴۵-۶۴.
۵. علوی (۱۳۹۰)، تحلیل محتوای روایات تأویلی اهل بیت (ع) در تفسیر البحر، مجله پژوهش های قرآن و حدیث، ۱۴(۵۴)، ۷۷-۹۶.
۶. علوی (۱۳۹۲)، تحلیل محتوای روایات تأویلی اهل بیت (ع) در تفسیر نور الثقلین، مجله مطالعات قرآن و حدیث، ۱۵(۵۸)، ۱۰۹-۱۲۸.
۷. علوی (۱۳۹۴)، ماهیت شناسی تأویل با تحلیل محتوای روایات تأویلی در تفسیر علی بن ابراهیم قمی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم انسانی.
۸. محمدی و همکاران (۱۳۸۱)، تحلیل محتوای روایات تأویلی اهل بیت (ع) در تفسیر الفرات، مجله مطالعات تفسیری، ۵(۱۷)، ۹.
۹. محمدی و همکاران (۱۳۸۳)، تحلیل محتوای روایات تأویلی اهل بیت (ع) در تفسیر القمی، مجله مطالعات تفسیری، ۶(۲۱)، ۷۵-۹۶.
۱۰. محمدی و همکاران (۱۳۸۵)، تحلیل محتوای روایات تأویلی اهل بیت (ع) در تفسیر الطبرسی، مجله مطالعات تفسیری، ۷(۲۵)، ۵۵-۷۶.
۱۱. محمدی و همکاران (۱۳۸۷)، تحلیل محتوای روایات تأویلی اهل بیت (ع) در تفسیر الصادق، مجله مطالعات تفسیری، ۸(۲۹)، ۱۵-۳۶.
۱۲. محمدی و همکاران (۱۳۸۹)، تحلیل محتوای روایات تأویلی اهل بیت (ع) در تفسیر الکافی، مجله مطالعات تفسیری، ۹(۳۳)، ۳۵-۵۶.
۱۳. محمدی و همکاران (۱۳۹۱)، تحلیل محتوای روایات تأویلی اهل بیت (ع) در تفسیر الصافی، مجله مطالعات تفسیری، ۱۰(۳۸)، ۵۳-۷۴.
۱۴. محمدی و همکاران (۱۳۹۳)، تحلیل محتوای روایات تأویلی اهل بیت (ع) در تفسیر البرهان، مجله پژوهش های قرآن و حدیث، ۱۶(۶۲)، ۵-۲۶.
۱۵. محمدی و همکاران (۱۳۹۵)، تحلیل محتوای روایات تأویلی اهل بیت (ع) در تفسیر علی بن ابراهیم قمی، مجله مطالعات تفسیری، ۱۲(۴۵)، ۷۱-۹۲.
۱۶. محمدی و همکاران (۱۳۹۶)، بررسی تحلیلی مدل های چند معنایی در خوانش هرمنوتیکی قرآن؛ مطالعه موردی روایات تأویلی اهل بیت (ع)، مجله پژوهش های تفسیری، ۱۰(۳۷)، ۱۱۳-۱۳۴.